

هدف این کتاب، تبیین عقاید اسلامی است که اصطلاحاً «اصول دین» نامیده می شود. از این روی، لازم است قبل از هر چیز، توضیح مختصری پیرامون واژه «دین» و واژه‌های مناسب با آن بدهیم زیرا چنان که در علم منطق، بیان شده، جایگاه «مبادی تصویری» (= تعریفات) قبل از سایر مطالب است.

دین واژه‌ای است عربی که در لغت به معنای اطاعت و جزاء و... آمده، و اصطلاحاً به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان، و دستورات علمی متناسب با این عقاید می باشد. از این روی، کسانی که مطلقاً معتقد به آفریننده‌ای نیستند و پیدایش پدیده های جهان را تصادفی، و یا صرفاً معلول فعل و انفعالات مادی و طبیعی می دانند «بی دین» نامیده می شوند. اما کسانی که معتقد به آفریننده‌ای برای جهان هستند هر چند عقاید و مراسم دینی ایشان، توأم با انحرافات و خرافات باشد «با دین» شمرده می شوند. و بر این اساس، ادیان موجود در میان انسانها به حق و باطل، تقسیم می شوند، و دین حق عبارت است از: آیینی که دارای عقاید درست و مطابق با واقع بوده، رفتارهایی را مورد توصیه و تأکید قرار دهد که از ضمانت کافی برای صحت و اعتبار، برخوردار باشند.

### اصول و فروع دین

با توجه به توضیحی که درباره مفهوم اصطلاحی دین، داده شد روشن گردید که هر دینی دست کم از دو بخش، تشکیل می گردد:

۱. عقیده یا عقایدی که حکم پایه و اساس و ریشه آن را دارد.

۲. دستورات عملی که متناسب با آن پایه یا پایه های عقیدتی و برخاسته از آنها باشد.

بنابراین، کاملاً بجاست که بخش عقاید در هر دینی «اصول»، و بخش احکام عملی «فروع» آن دین نامیده شود چنانکه دانشمندان اسلامی، این دو اصطلاح را در مورد عقاید و احکام اسلامی به کار برده اند.

### جهان بینی و ایدئولوژی

واژه‌های جهان بینی و ایدئولوژی، به معنای کمابیش مشابهی به کار می رود، از جمله معانی جهان بینی این است: «یک سلسله اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ درباره جهان و انسان، و بطور کلی درباره هستی». و از جمله معانی ایدئولوژی اینست: «یک سلسله آراء کلی هماهنگ درباره رفتارهای انسان».

طبق این دو معنی می توان سیستم عقیدتی و اصولی هر دین را جهان بینی آن دین، و سیستم کلی احکام عملی آن را ایدئولوژی آن به حساب آورد و آنها را بر اصول و فروع دین، تطبیق کرد. ولی باید توجه داشت که اصطلاح ایدئولوژی، شامل احکام جزئی نمی شود چنانکه جهان بینی نیز شامل اعتقادات جزئی نمی گردد.

نکته دیگر آن که: گاهی کلمه ایدئولوژی به معنای عامی به کار می رود که شامل جهان بینی هم می شود.

### جهان بینی الهی و مادی

در میان انسان‌ها انواعی از جهان بینی، وجود داشته و دارد، ولی همگی آنها را می توان براساس پذیرفتن ماوراء طبیعت و انکار آن، به دو بخش کلی تقسیم کرد: جهان بینی الهی، و جهان بینی مادی.

پیرو جهان بینی مادی، در زمان سابق به نام «طبیعی» و «دهری» و احياناً «زندیق» و «ملحد» نامیده می شد و در زمان ما «مادی» و «ماتریالیست» نامیده می شود.

مادی گری، نحله‌های مختلفی دارد و مشهورترین آنها در عصر ما «ماتریالیسم دیالکتیک» است که بخش فلسفی مارکسیسم را تشکیل می دهد.

ضمناً روشن شد که دایره کاربرد «جهان بینی» وسیع تر از عقاید دینی است زیرا شامل عقاید الحادی و ماده‌گرایانه نیز می شود، چنان که واژه ایدئولوژی نیز اختصاص به مجموعه احکامی دینی ندارد.

## ادیان آسمانی و اصول آن‌ها

درباره کیفیت پیدایش ادیان مختلف، در میان دانشمندان تاریخ ادیان و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، اختلافاتی وجود دارد. ولی براساس آنچه از مدارک اسلامی بدست می‌آید باید گفت: تاریخ پیدایش دین، همزمان با پیدایش انسان است و اولین فرد انسان (حضرت آدم علیه‌السلام) پیامبر خدا و منادی توحید و یگانه پرستی بوده، و ادیان شرک آمیز همگی در اثر تحریفات و اعمال سلیقه‌ها و اغراض فردی و گروهی پدید آمده است.

ادیان توحیدی که همان ادیان آسمانی و حقیقی هستند دارای سه اصل کلی مشترک می‌باشند: اعتقاد به خدای یگانه، اعتقاد به زندگی ابدی برای هر فردی از انسان در عالم آخرت و دریافت پاداش و کیفر اعمالی که در این جهان انجام داده است، و اعتقاد به بعثت پیامبران از طرف خدای متعال برای هدایت بشر بسوی کمال نهائی و سعادت دنیا و آخرت.

این اصول سه‌گانه، در واقع، پاسخهایی است به اساسی‌ترین سؤالاتی که برای هر انسان آگاهی مطرح می‌شود: مبدأ هستی چیست؟ پایان زندگی چیست؟ از چه راهی می‌توان بهترین برنامه زیستن را شناخت؟ و اما متن برنامه‌ای که از راه تضمین شده وحی، شناخته می‌شود همان ایدئولوژی دینی است که برخاسته از جهان بینی الهی می‌باشد.

عقاید اصلی، لوازم و ملزومات و توابع و تفاسیلی دارد که مجموعاً سیستم عقیدتی دین را تشکیل می‌دهد و اختلاف در اینگونه اعتقادات، موجب پیدایش ادیان و فرقه‌ها و نحله‌های مذهبی مختلف شده است. چنانکه اختلاف در نبوت بعضی از انبیاء الهی و تعیین کتاب آسمانی معتبر، عامل اصلی اختلاف بین ادیان یهودی و مسیحی و اسلام شده و اختلافات دیگری را در عقاید و اعمال، بدنبال آورده است که بعضاً با اعتقادات اصلی، سازگار نیست، مانند اعتقاد به تثلیث مسیحی که با توحید، وفق نمی‌دهد هر چند مسیحیان در صدد توجیه آن برآمده‌اند. همچنین اختلاف در کیفیت تعیین جانشین پیامبر که باید از طرف خدا، یا از طرف مردم تعیین شود عامل اصلی اختلاف بین شیعه و سنی در اسلام شده است.

**حاصل آن‌که:** توحید و نبوت و معاد، اساسی‌ترین عقاید در همه ادیان آسمانی است ولی می‌توان عقاید دیگری را که یا از تحلیل آنها بدست می‌آید، یا از توابع آنها می‌باشد طبق اصطلاح خاصی جزء عقاید اصلی بحساب آورد، مثلاً می‌توان اعتقاد به وجود خدا را یک اصل، و اعتقاد به وحدت او را اصل دوم شمرد، یا اعتقاد به نبوت پیغمبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را اصل دیگری از اصول دین اسلام شمرد. چنانکه بعضی از دانشمندان شیعه «عدل» را که یکی از عقاید فرعی توحید است اصل مستقلی شمردند و «امامت» را که از توابع نبوت است اصل دیگری محسوب داشته‌اند. در حقیقت، استعمال واژه «اصل» در مورد اینگونه اعتقادات، تابع اصطلاح و قرارداد است و جای بحث و مناقشه ندارد.

بنابراین، واژه «اصول دین» را می‌توان به دو معنای عام و خاص به کار برد: اصطلاح عام آن در برابر «فروع دین» و بخش احکام به کار می‌رود و شامل همه عقاید معتبر می‌شود، و اصطلاح خاص آن، به اساسی‌ترین عقاید، اختصاص می‌یابد. نیز می‌توان تعدادی از عقاید مشترک بین همه ادیان آسمانی مانند اصول سه‌گانه (توحید، نبوت، معاد) را «اصول دین» بطور مطلق و آنها را با اضافه یک یا چند اصل دیگر «اصول دین خاص» و یا با اضافه کردن یک یا چند اعتقادی که مشخصات مذهب و فرقه خاصی است «اصول دین و مذهب» یا «اصول عقاید یک مذهب» به حساب آورد.

### پرسش

- ۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی دین را بیان کنید.
- ۲- جهان بینی و ایدئولوژی را تعریف، و فرق بین آن‌ها را بیان کنید.
- ۳- دو نوع کلی جهان بینی را توضیح دهید.
- ۴- دو اصطلاح عام و خاص اصول دین را شرح دهید.
- ۵- اصول مشترک بین همه ادیان آسمانی کدامند؟ و وجه اهمیت آن‌ها چیست؟